

عنوان مقاله:

نسبت سوژه و قدرت در رمان های دن کیشوت و مادام بوواری با ابتدای بر دیدگاه های میشل فوکو

محل انتشار:

دو فصلنامه پژوهش سیاست نظری، دوره 7، شماره 11 (سال: 1391)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسندگان:

زینب صابر - دانشجوی دکتری فلسفه هنر دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

پرویز ضیاء شهابی - استادیار گروه فلسفه دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

خلاصه مقاله:

رمان های دن کیشوت و مادام بوواری از جمله آثار تأثیر گذار بر تاریخ ادبیات داستانی شمرده می شوند. در این مقاله تلاش شده با تکیه بر دیدگاه های میشل فوکو (1926-1984)، فیلسوف فرانسوی، این دو رمان مقایسه و تحلیل شود. فوکو با تبیین سازوکار ساختار قدرت در صورت بندی سوژه، به نقد مبانی متافیزیک غربی اهتمام دارد. طرح فکری فوکو، بر ملا کردن معیارها و اصول بدیهی انگاشته ای است که ساختار قدرت بر آناساس، شکل بهنجار زیستن را تعریف می کند. در این طرح فکری، تفسیر آثار ادبی جایگاه حائز اهمیت دارد. این مقاله می کوشد نحوه مواجهه و مقابله دن کیشوت و مادام بوواری را با فرایند بهنجارسازی در فرهنگ غربی تبیین کند و نشان دهد که این دو چگونه برای گریز از زندگی بهنجار، شیوه ای تازه از زیستن را بر مبنای ادبیات و داستان برای خویش خلق می کنند و به تعبیر بهتر با کمک گرفتن از ادبیات و جهان داستان، شکل دیگری از سوژه مندی را برای خود تعریف می کنند. در این فرایند، داستان و واقعیت و یا واژه ها و چیزها در هم می آمیزند. مقاله حاضر بر آن است تا از سویی طرح زندگی دن کیشوت و مادام بوواری را بر اساس مفاهیم بهنجارسازی و انقیاد فوکو تحلیل و تبیین کند و نشان دهد که ادبیات در گونه ای خاص می تواند به شکلی اصیل در مقابل ساختارهای مسلط بر زندگی بهنجار، بایستد و با استقرار خود به منزله شکلی تازه و متمایز از هنجار مسلط، طرحی نو دراندازد؛ و از سوی دیگر نشان دهد که ساختار مسلط نیز در مقابل هر تفاوتی با مشخص کردن آن تفاوت به مثابه گونه ای «نابهنجاری» به کنترل، اصلاح، طرد، حبس و حذف شکل های مختلف غیریت مبادرت ورزد.

کلمات کلیدی:

دون کیشوت، مادام بوواری، فوکو، شباهت، واژه ها و چیزها، و بهنجار/نابهنجار

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/315845>

